|  |
| --- |
| نام مقاله: بررسي ميزان رعايت معيارهاي ساختاري منابع مرجع چاپي فارسي نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود) شماره نشريه: 41 \_ شماره اول، جلد 11 پديدآور: محبوبه فراشباشي آستانه، دكتر رحمت الله فتاحي  |
|   چکیده**منابع مرجع چاپي، به عنوان بخشي عظيم از منابع اطلاعاتي برطرف‌كننده نيازهاي اطلاعاتي، نقش بسيار مهمي در جامعه استفاده‌كننده دارد. به همين علت و به دليل ضرورت زوديابي اطلاعات، هنگام تأليف و نشر، اهميت زيادي دارد. مقاله حاضر با استفاده از روش پيمايشي و فن تحليل محتوا به بررسي معيارهاي ساختاري منابع مرجع چاپي فارسي منتشر شده در چهار حوزه موضوعي مختلف و در فاصله سالهاي 1383-1374 پرداخته است. ابزار گردآوري اطلاعات، سياهه اي است كه توسط پژوهشگر براي هفت نوع منبع مرجع تدوين شد و مورد استفاده قرار گرفت. نتايج مقاله، حاكي از نوع عملكرد پديدآورندگان و ناشران مرجع ايراني در مورد رعايت معيارهاي ساختاري منابع مرجع و شاخصهاي مربوط به آن است. يافته‌ها حاكي از آن است كه معيارهاي ساختاري فيزيكي مانند صفحه آرايي و نوع حروف، به طرز مطلوبي رعايت شده، اما معيارهايي كه در زوديابي اطلاعات نقش مهمي دارد (مانند نمايه‌هاي پاياني) به شكلي مطلوب رعايت نشده است.****كليدواژه‌ها: منابع مرجع چاپي فارسي، معيارهاي ساختاري منابع مرجع، معيارهاي زوديابي منابع مرجع****مقدمه و تعريف مسئله**منابع مرجع به دليل نقش و كاربرد اساسي در مطالعات پژوهشي و پيشبرد امر آموزش، ارزش خاصي دارند. در اين ميان، منابع مرجع چاپي با وجود گسترش روزافزون منابع الكترونيكي، نقش خود را همچنان حفظ كرده و به نيازهاي اطلاعاتي اقشار مختلف پاسخ مي‌دهد. به همين دليل، ساختار اين گونه منابع به لحاظ دسترسي آسان و سريع به اطلاعات، اهميت فراواني دارد. بديهي است، هر چه شيوه ارائه محتواي كتاب مرجع و شيوه نظم‌دهي به محتوا منسجم‌تر و سازمان يافته‌تر باشد، امر زوديابي نيز آسان‌تر تحقق پيدا خواهد نمود. از اين رو، در برخي ازمنابع مرجع بر چگونگي نظم مطالب و محتوا، نوع مدخلها، چگونگي ارائه ارجاعات متقابل و نمايه‌ها تأكيد شده است.[[4]](http://128.168.0.10/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn4%22%20%5Co%20%22) به‌طور كلي، ابزارها و راه‌هاي مختلفي براي دسترسي به محتواي منابع، بويژه منابع مرجع، در نظر گرفته مي‌شود. از آنجا كه اين عناصر، ساختار منابع مرجع را مي‌سازند و از طرفي، با توجه به نقش عمده‌اي كه در دسترسي سريع و آسان به محتوا ايفا مي‌كنند، مي‌توان آنها را «معيارهاي زوديابي اطلاعات»[[5]](http://128.168.0.10/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn5%22%20%5Co%20%22) تلقي نمود. پژوهش حاضر، ضمن بررسي ساختار كتابهاي مرجع فارسي در چهار حوزه موضوعي علوم انساني، علوم پايه، مهندسي و كشاورزي منتشر شده در فاصله سالهاي 1383-1374 در دانشگاه فردوسي، به يك پرسش اصلي و سه فرضيه، به كمك آمار توصيفي و استنباطي، پاسخ مي دهد. **مسئله پژوهش**با توجه به حجم گسترده و تخصصي اطلاعات منابع مرجع و در نتيجه اهميت زوديابي آنها، سؤال اصلي اين پژوهش آن است كه وضعيت كتابهاي مرجع منتشر شده در ايران از نظر رعايت معيارهاي ساختاري يادشده به لحاظ زوديابي اطلاعات در آنها چگونه است. در صورت دارا بودن اين معيارها، تا چه ميزاني شاخصهاي مورد نظر اين پژوهش، كه در تعريفهاي عملياتي به آنها پرداخته خواهد شد، از سوي ناشران مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت ديگر، تا چه ميزان ساختار كتابهاي مرجع به گونه‌اي طراحي شده كه به جستجوي سريع اطلاعات در آنها كمك مي‌كند؟ **پرسش و فرضيه‌هاي پژوهش**كتابهاي مرجع منتشر شده در ايران تا چه ميزان از معيارهاي ساختاري و شاخصهاي مربوط مورد نظر اين پژوهش، بهره مندند؟**فرضيه1:**بين كتابهاي مرجع حوزه‌هاي مختلف علمي (علوم انساني، هنر، علوم پايه، كشاورزي و فني و مهندسي) از نظر ميزان رعايت معيارهاي ساختاري و شاخصهاي مربوط، تفاوتي معنادار وجود دارد. **فرضيه2:**بين ميزان رعايت معيارهاي ساختاري و شاخصهاي مربوط در كتابهاي مرجع رديف اول و كتابهاي مرجع رديف دوم، تفاوت معناداري وجود دارد.**فرضيه3:**از نظر ميزان رعايت معيارهاي ساختاري و شاخصهاي مربوط در كتابهاي مرجع منتشر شده، بين ناشران دولتي و غيردولتي تفاوت معناداري ديده مي‌شود.  **تعريفنظري و عملياتي معيارها و شاخصها****زوديابي**منظور از زوديابي، سرعت و سهولت در بازيابي اطلاعات در منابع مرجع است كه با استفاده از مجموعه‌اي از ابزارها وشيوه‌ها حاصل مي‌شود. اين ابزارها كه در اين پژوهش برخي از معيارهاي ساختاري را تشكيل مي‌دهند، فهرست مندرجات، ساختار متن اصلي و فهرستهاي پاياني را شامل مي‌شود. **معيارهاي ساختاري**منظور از معيارهاي ساختاري، وجود يا نبود عناصري است كه بخشي از منبع مرجع را تشكيل داده و استفاده و بازيابي اطلاعات در كتابهاي مرجع از طريق آنها صورت مي‌پذيرد. اين عناصر شامل فهرست مندرجات، پيشگفتار/ مقدمه، متن اصلي و فهرستهاي پايان كتاب (فهرست موضوعي، اعلام، جغرافيايي، واژه‌نامه و كتابشناسي) مي‌شود. **فهرست مندرجات** فهرست مندرجات،‌ يكي از ابزارهاي متعارف و مهم دسترسي به محتواي منبع است كه مي‌تواند به زوديابي اطلاعات كمك كند. در اين پژوهش، فهرست مندرجات در قالب دو صورت فهرست كلي (خلاصه) و فهرست تفصيلي (جامع) تفكيك شده است.**مقدمه**از ديدگاه اين پژوهش، مقدمه به عنوان يكي از عناصر زوديابي اطلاعات درنظر گرفته مي شود. به همين منظور، شاخصهايي مانند بيان هدف، تعيين نوع مخاطب، بيان دامنه موضوعي و تشريح چگونگي استفاده از كتاب مرجع يا به طور خلاصه بيان شيوه تنظيم اثر به منظور بررسي ساختاري مقدمه، در نظر گرفته شده است. **متن**بخش عمده و اصلي كتاب مرجع است كه اطلاعات مورد نظر را به همان نظمي كه در فهرست مندرجات نشان داده شده، ارائه مي‌دهد. در پژوهش حاضر، اين معيار ساختاري داراي شاخصهاي ساختار متن،‌ صفحه‌آرايي، ساختار داخلي و ساختار ويژه مي‌شود.**نمايه**نمايه‌هاي پاياني كتابها، از جمله منابع مرجع، مهم‌ترين ابزارهاي زوديابي اطلاعات به شمار مي‌روند. از ميان موارد گفته ‌شده در پژوهش حاضر، بر اساس نوع منابع مورد مطالعه، اين نمايه‌ها شامل نمايه موضوعي (ساده و تحليلي)، نمايه عنوان، نمايه اعلام و نمايه سازمانها مي‌شود. در اين ميان، نمايه موضوعي اهميت دوچنداني دارد. به همين منظور، اين نمايه در دو نوع ساده و تحليلي بررسي مي‌شود. منظور از نمايه ساده در اين پژوهش، آن است كه در مدخلها ارجاع و يا ريز موضوعات وجود ندارد. اين درحالي است كه در نمايه تحليلي اين دو مورد در نظر گرفته مي‌شود.  **روش، جامعه آماري و ابزار گردآوري اطلاعات**پژوهش حاضر به روش پيمايشي و با استفاده از فن تحليل محتواي اسنادي صورت گرفته است. از آنجا كه در اين مقاله، ساختار كتابهاي مرجع مدنظر است و چهار معيار اصلي ـ شامل مقدمه/ پيشگفتار‏‌، فهرست مندرجات، متن و نمايه ـ كه ساختار اصلي كتابهاي مرجع را تشكيل مي‌دهد، مورد بررسي قرار مي‌گيرد؛از فن تحليل محتواي منابع، در مورد اين عناصر استفاده خواهد شد. تحليل محتوا اغلب به منظور شناسايي، تحليل و ضبط محتواي منابع (كتاب، مقاله، سند و مانند آنها) مورد استفاده قرار مي‌گيرد (باب الحوائجي، 1381).جامعه آماري پژوهش، شامل 1884 عنوان كتاب‌ مرجع منتشر شده در فاصله زماني ياد شده است كه پس از حذف موارد نامربوط، به 599 عنوان كاهش داده شد. از اين ميان، 303 منبع مرجع چاپي فارسي به عنوان نمونه مورد بررسي قرار گرفت. به منظور بررسي ساختاري منابع، براي هر كدام از هفت نوع منبع مرجع مورد نظر اين پژوهش كه شامل دايرة‌المعارفها، زندگينامه‌ها، راهنماها، واژه‌نامه‌ها، اطلس‌ها، منابع آماري و كتابشناسي‌ها مي‌شود، سياهه‌ اي توسط پژوهشگر تدوين شد و با توجه به اهميت هر يك از معيارها و شاخصها، امتيازهايي به آنها اختصاص يافت[[6]](http://128.168.0.10/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn6%22%20%5Co%20%22) و سپس جامعه نمونه (303 عنوان منبع مرجع) با استفاده از اين سياهه وارسي، توسط پژوهشگر بررسي گرديد و تحليل و امتياز هر منبع داده شد.  **پيشينة پژوهش**در هنگام بررسي و مرور منابع خارجي مشاهده مي‌كنيم كه برخي از آنها به ساختار منابع مرجع نيز توجه كرده‌اند، ولي منظور خود را از ساختار، طراحي فيزيكي و ظاهري عنوان نموده‌اند.براي مثال، مي‌توان بهپژوهشي كه «رولف»[[7]](http://128.168.0.10/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn7%22%20%5Co%20%22) (1982)انجام داد، اشاره كرد. وي در هنگام بررسي و ارزيابي پنجاه فرهنگ انگليسي، كه بر اساس راهنماي Sheehy[[8]](http://128.168.0.10/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn8%22%20%5Co%20%22) صورت گرفته، چهار عامل را در نظر گرفت كه شامل «شكل ظاهري»، «دامنه»، «نوع كاربرد واژگان» و «جنبه‌هاي خاص» بود. وي منظور خود را از شكل ظاهري، نوع صحافي، كاغذ و چاپ عنوان كرد. «كمپل»[[9]](http://128.168.0.10/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn9%22%20%5Co%20%22) (1997) به ساختار كتاب در قالب رهنمودهايي براي ناشراني كه قصد دارند كتابهاي خود را به صورت الكترونيكي منتشر كنند، توجه نشان مي‌دهد و به طراحي و ساختار كتاب به شكل الكترونيكي مي‌پردازد. در اين راستا، وي عناصري از جمله انتخاب نوع كاغذ، نوع چاپ، شكل چاپ و صحافي و اطلاعات حق مؤلف را نيز بررسي مي‌كند.در پژوهشي كه «كرن»[[10]](http://128.168.0.10/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn10%22%20%5Co%20%22) (1999) نيز در مورد منابع كتابخانه انجام داد، به ساختار كتاب از رويكرد ظاهري پرداخت و راهكارهايي براي حفاظت و نگهداري و صحافي درست كتابها نشان داد و آن را از اين زاويه بررسي نمود. به طور كلي، مي‌توان گفت بيشتر معيارهاي ياد شده در پژوهشهايي كه به ارزيابي منابع مرجع پرداخته‌اند، مشابه يكديگر است و همه آنها از ساختار به عنوان شكل ظاهري (Format) نام برده‌اند. در ايران، بررسي متون مربوط به منابع مرجع نشان مي‌دهد، تاكنون پژوهشهاي بسيار اندكي در اين زمينه انجام شده است. برخي از پژوهشها بررسي خود را به وضعيت نشر كتابهاي مرجع، آن هم به طور كلي محدود كرده‌اند. به عنوان مثال، مي‌توان از پژوهشي كه «دري‌فر» (1379)، «مكي‌زاده» (1382)، «حسني» (1378)، «حاجي‌شيزري» (1372) انجام داده‌اند، نام برد. «مكي‌زاده» (1382) نيز پژوهش مشابهي را در استان يزد انجام داده است. پژوهشهايي كه با اين رويكرد به منابع مرجع پرداخته‌اند بسيار است و نمي‌توان به همه آنها اشاره كرد. از آنجا كه نمايه‌ها بخشي بسيار مهم از ساختار كتابهاي مرجع را تشكيل مي‌دهد، در اينجا به پژوهشهايي مرتبط با اين معيار پرداخته مي‌شود.«مزيناني»‌ (1373) با بررسي ملاكهاي تهيه نمايه كتاب، مجله و ديگر انتشارات، به تحليل ساختاري نمايه‌سازي منابع مي‌پردازد.وي در بخش مربوط به نمايه‌سازي كتابها، ضمن تعريف نمايه و مدخل و ذكر انواع نمايه‌ها در حوزه عمل و ماهيت، به محتواي كلي و ساخت آنها نيز توجه نشان داده و معتقد است، هر چند حوزه عمل و كيفيت يك نمايه به فضاي موجود، خصوصيات نمايه‌ساز و هزينه‌هاي انتشار بستگي دارد، ماهيت يك نمايه عمدتاً به موضوع مورد نظر، چگونگي بررسي و تجزيه و تحليل موضوع، كاربرد و نيازهاي احتمالي استفاده‌كنندگان وابسته است. او در بخشي از مقاله خود با عنوان «طرح و ساخت نمايه‌ها»، معتقد است نمايه‌ها بايد بر اساس الگويي منطقي، متعادل و سازگار ساخته شده باشد. به عقيده «گيلوري» (1375) با وجود تفاوتهاي عمده‌اي كه در نوع نمايه‌ها وجود دارد، تمام نمايه‌ها از دو جنبه هدف و ساختار در يك راستا قرار دارد. هدف از تمام نمايه‌ها، افزايش ميزان دسترسي مراجعه كننده به مطالب موضوعي مورد جستجوست. از اين لحاظ ممكن است نمايه‌ها بسته به جامعه استفاده كننده و نيازهاي اطلاعاتي آنها با هم متفاوت باشد. از نظر ساختار، نمايه‌ها بويژه نمايه‌هاي موضوعي از اجزاي تقريبا يكساني تشكيل شده‌ است. اين اجزا شامل مدخل،‌ سرعنوان يا توصيفگر و بيانگر مي‌شود. به طور كلي، در ايران پژوهشها به شكلي جزئي و اكثراً با معيار ساختاري نمايه‌ها بويژه نمايه انتهاي كتابها به تحليل ساختار پرداخته‌اند. به عنوان مثال، به پژوهشهايي كه «مزيناني» (1374،1373) و «گيلوري» (1375) انجام داده‌اند، مي‌توان اشاره كرد. همچنين، بيشتر پژوهشها از روش تحليل محتوا براي بررسي ساختار منابع مرجع استفاده كرده‌اند. **تجزيه و تحليل داده ها و ارائه يافته‌ها**يافته‌هاي پژوهش در پاسخ به پرسش اول، به شرح زير است:ناشران كتابهاي مرجع در ايران،‌ از نظر رعايت معيارهاي ساختاري فيزيكي مانند شاخصهاي «نوع حروف» ، «جدول» و «صفحه‌آرايي» به عنوان زيرمجموعه‌هايي از «ساختار متن»‌ به شكلي مطلوب عمل كرده‌اند. اين در حالي است كه انتشارات ناشران ايراني به لحاظ رعايت آن دسته از معيارهايي كه در زوديابي اطلاعات تأثير بيشتري نسبت به ساير معيارها دارد (نمايه‌هاي پاياني)‌ كيفيت بالايي نداشته است. جدول 1، ميزان توجه به معيارها را با توجه به رتبه ميانگين كسب شده، نشان مي‌دهد.**جدول 1. بررسي ميانگين معيارهاي ساختاري و شاخصها در انواع منابع مرجع**

| **معيارها** | **دايره‌المعارفها** | **زندگينامه‌ها‌** | **راهنماها** | **واژه‌نامه‌ها** | **اطلس‌ها** | **منابع‌آماري** | **كتابشناسي‌ها** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **فراواني** | **درصد** | **فراواني** | **درصد** | **فراواني** | **درصد** | **فراواني** | **درصد** | **فراواني** | **درصد** | **فراواني** | **درصد** | **فراواني** | **درصد** |
| دامنه موضوعي | **28** | **3/90** | **19** | **0/95** | **24** | **7/85** | **----** | **----** | **20** | **9/90** | **31** | **0/100** | **38** | **4/84** |
| مقدمه | **29** | **5/93** | **20** | **0/100** | **26** | **9/92** | **113** | **7/89** | **21** | **5/95** | **31** | **0/100** | **44** | **8/97** |
| صفحه‌آرايي | **30** | **8/96** | **19** | **0/95** | **25** | **3/89** | **123** | **6/97** | **20** | **9/90** | **29** | **5/93** | **44** | **8/97** |
| نوع حروف | **----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **123** | **6/97** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** |
| جدول | **----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **30** | **8/96** | **-----** | **----** |
| فهرست مندرجات | **22** | **0/71** | **16** | **0/80** | **24** | **7/85** | **-----** | **----** | **21** | **5/95** | **30** | **8/96** | **37** | **2/82** |
| ساختار داخلي | **29** | **5/93** | **19** | **0/95** | **20** | **4/71** | **-----** | **----** | **20** | **9/90** | **-----** | **----** | **40** | **9/88** |
| نمايه اعلام | **10** | **3/32** | **4** | **0/20** | **4** | **3/14** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **37** | **2/82** |
| هدف | **15** | **4/48** | **5** | **0/25** | **14** | **0/50** | **72** | **1/57** | **11** | **0/50** | **25** | **6/80** | **20** | **4/44** |
| ساختار متن | **24** | **4/77** | **12** | **0/60** | **4** | **3/14** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **32** | **1/71** |
| مخاطب | **13** | **9/41** | **7** | **0/35** | **11** | **3/39** | **67** | **2/53** | **16** | **7/72** | **17** | **8/54** | **27** | **0/60** |
| ساختار ويژه | **15** | **4/48** | **12** | **0/60** | **20** | **4/71** | **43** | **1/34** | **13** | **1/59** | **5** | **1/16** | **17** | **8/37** |
| نمودار | **----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **20** | **5/64** | **----** | **----** |
| شيوه استفاده | **16** | **6/51** | **5** | **0/25** | **9** | **1/32** | **52** | **3/41** | **5** | **7/22** | **3** | **7/9** | **28** | **2/62** |
| نمايه ويژه | **-----** | **----** | **4** | **0/20** | **11** | **3/39** | **62** | **2/49** | **12** | **5/54** | **4** | **9/12** | **22** | **9/48** |
| نمايه عنوان | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **24** | **3/53** |
| نمايه موضوعي | **9** | **1/29** | **-----** | **----** | **8** | **6/28** | **----** | **----** | **----** | **----** | **-----** | **----** | **21** | **7/46** |
| فهرست علائم | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **10** | **5/45** | **-----** | **----** | **-----** | **----** |
| شيوه تنظيم منابع و مآخذ | **11** | **5/35** | **4** | **0/20** | **-----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **-----** | **----** | **----** | **----** |
| نمايه مكان‌ها | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **7** | **8/31** | **-----** | **----** | **-----** | **----** |
| فهرست اختصارها | **-----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **24** | **0/19** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** |
| راهنماي تلفظ | **-----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **----** | **16** | **7/12** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** |
| نمايه سازماني | **-----** | **----** | **----** | **----** | **3** | **7/10** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** | **-----** | **----** |

همچنين، نتايج بررسي وجود تفاوت معنادار ميان**حوزه‌هاي موضوعي مورد نظر** از لحاظ رعايت معيارهاي ساختاري و شاخصهاي مربوط به آن، نشان داد در ميان كل معيارهاي ساختاري مورد نظر در **راهنما‌ها**، شاخصهاي **«**ساختار متن» و «نمايه اعلام»تفاوتي معنادار در حوزه‌هاي موضوعي مورد بررسي دارند. محاسبه ميانگين امتياز در اين حوزه ها نسبت به رعايت شاخصهاي ياد شده، نشان داد حوزه علوم با ميانگين امتياز50/26، بالاترين مقدار و بعد از آن حوزه‌هاي علوم انساني و مهندسي با 18/14 و 50/12، در رتبه‌هاي بعدي است. به عبارت ديگر، مي‌توان چنين بيان داشت كه منابع مرجع حوزه علوم نسبت به دو حوزه موضوعي ديگر، شاخصهاي ساختار متن و نمايه اعلام را بيشتر مورد توجه قرار داده است. همين بررسي در مورد واژه‌نامه‌ها نشان داد، «فهرست تلفظ» در مقايسه با ديگر شاخصها تفاوت معناداري در چهار حوزه مربوط (علوم انساني، علوم، مهندسي، كشاورزي) داشته است. پس از محاسبه ميانگين امتياز، مشخص شد منابع مرجع حوزه‌ علوم انساني با ميانگين امتياز 77/67%، بالاترين ميزان رعايت را در بين ساير حوزه‌ها دارا مي‌باشد. حوزه كشاورزي با 50/64% و علوم و مهندسي با 50/55% در رتبه‌هاي بعدي قرار دارند.اين بررسي در دايرة‌المعارفها، زندگينامه‌ها، اطلس‌ها، منابع آماري و كتابشناسي‌ها تفاوت معناداري را نشان نمي‌دهد.بررسي آزمون فرضيه دوم به لحاظ وجود تفاوت معنادار ميان **منابع رديف اول و دوم** از نظر رعايت معيارهاي ساختاري و شاخصهاي مربوط به آن نشان داد از مجموع معيارهاي ساختاري مورد بررسي در منابع رديف اول و دوم،‌ معيار ساختاري فهرست مندرجات (شامل فهرست كلي و فهرست تفصيلي)، شاخص شيوه استفاده، معيار مقدمه، نمايه موضوعي و نيز نمايه اعلام، تفاوت معناداري در بين منابع رديف اول و رديف دوم دارد (جدول2). **جدول2. بررسي وجود تفاوت معنادار معيارهاي مورد نظر ميان منابع رديف اول و دوم با آزمون لامان ـ وثيني**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **معيارها** | **لامان ـ وثيني** | **P** |
| فهرست مندرجات | 2176/500 | 004/0 |
| فهرست كلي | 2200/500 | 002/0 |
| فهرست تفصيلي | 2100/00 | 001/0 |
| هدف | 5190/00 | 189/0 |
| مخاطب | 5269/500 | 254/0 |
| دامنه | 2733/000 | 118/0 |
| شيوه استفاده | 4218/000 | 001/0 |
| مقدمه | 3985/000 | 000/0 |
| ساختار متن | 4427/500 | 577/0 |
| صفحه‌آرايي | 000/5709 | 585/0 |
| ساختار داخلي | 500/2222 | 678/0 |
| ساختار ويژه | 000/5568 | 608/0 |
| نمايه موضوعي | 000/1022 | 019/0 |
| نمايه اعلام | 000/1161 | 000/0 |
| نمايه ويژه | 000/4703 | 327/0 |

 محاسبه ميانگين امتياز در معيارها و شاخصهاي داراي تفاوت معنادار، نشان داد مرجع رديف دوم در مقايسه با منابع مرجع رديف اول، از نظر رعايت معيارهاي ساختاري يادشده،‌ وضعيت بهتري دارد. دليل اين امر را شايد بتوان در تفاوت ديدگاه پديدآورندگان و ناشران ايراني نسبت به منابع مرجع رديف اول و دوم جستجو كرد. به عبارت ديگر، به نظر مي رسد توجه به معيارهاي ساختاري مانند نمايه موضوعي و نمايه اعلام كه در زوديابي اطلاعات نقشي بسزا دارند، از سوي پديدآورندگان و ناشران ايراني، از توجه و رعايت همين معيارها در منابع مرجع رديف اول مهمتر باشد.همچنين، بررسي تفاوت معنادار ميان **ناشران دولتي و خصوصي** به لحاظ رعايت معيارهاي ساختاري و شاخصهاي مربوط به آن، نشان داد در مورد دايرة‌المعارف‌‌ها و اطلس‌ها و از نظر رعايت معيارهاي ساختاري و شاخصهاي مربوط به آن، تفاوتي معنادار ميان ناشران دولتي و خصوصي ديده نمي‌شود.اين در حالي است كه در زندگينامه‌ها، راهنماها، واژه‌نامه‌ها و كتابشناسي ها تفاوتي معنادار از نظر رعايت معيارهاي ساختاري و شاخصهاي مربوط به آن ميان دو نوع ناشر مشاهده مي‌گردد. **نتيجه‌گيري نهايي**نتايج پژوهش در مورد ميزان رعايت معيارهاي ساختاري و شاخصهاي مربوط به آن، حاكي از آن است كه معيارهاي ساختاري همچون انواع نمايه‌ها كه بازيابي سريع‌تر و به عبارت ديگر، زوديابي اطلاعات را در پي دارد، به شكلي مطلوب از سوي پديدآورندگان و ناشران ايراني رعايت نمي‌شود. به نظر مي رسد دليل احتمالي اين امر به دشواري تهيه و تدوين نمايه مربوط است، زيرا اين كار به تخصص و تجربه خاصي نياز دارد. لذا انتظار مي‌رود متوليان نشر اين گونه منابع در ايران نسبت به عناصر زوديابي اطلاعات در منابع مرجع، كه اغلب نمايه‌ها را دربر مي گيرد، توجه بيشتري كنند. در همين راستا، از كتابداران انتظار مي‌رود در تدوين ساختار و عناصري كه در زوديابي و آسان‌يابي اطلاعات در منابع مرجع رديف اول نقش اساسي دارد،‌ به پديدآورندگان و ناشران ياري رسانند. **پيشنهادها**با توجه به اهميت وجود معيارها و شاخصهاي توليد و نشر منابع مرجع و چنانكه يافته‌هاي اين پژوهش نشان داد، اكنون مي‌توان مهمترين دستاورد كار را براي ارتقاي عملكرد پديدآورندگان و ناشران ايراني، به شرح زير ارائه داد. دستاورد عمده پژوهش حاضر تهيه رهنمودهايي عيني در مورد ساختار كتابهاي مرجع است. در تهيه اين راهنما، افزايش دسترس پذيري به محتوا و افزايش كاربرد كتاب مرجع مورد نظر بوده است. هر چند اين رهنمودها بر اساس متون و منابع مشابه منتشر شده در ايران و خارج تهيه شده است، ولي نمي‌تواند بدون نقص باشد. انتظار مي‌رود اين راهنما مورد توجه و استفاده نويسندگان، ناشران و كتابداران قرار گيرد. ارائه ديدگاه هاي سازنده آنان مي‌تواند كمك مؤثري در رفع نواقص و تكميل آن باشد. يادآور مي شود، براي آشنايي پديدآورندگان و ناشران منابع مرجع، مي توان كارگاه‌هاي آموزشي برگزار كرد. **الف) فهرست مندرجات (كلي و تفصيلي)**از آنجا كه **فهرست مندرجات**، بازنموني از محتواي كل اثر است و به عنوان يكي از بخشهاي مهم در بازيابي اطلاعات متن اثر به شمار مي آيد، لازم است پديدآورندگان و ناشران ايراني، در هنگام تهيه و تدوين آثار مرجع، به فهرست مندرجات توجه نشان دهند.اين امر به شيوه هاي زير امكان پذير است:**1. تهيه و تدوين فهرست كلي (ارائه سرفصلها بدون نشان دادن جايگاه هر مفهوم يا موضوع در ميان ساير مفاهيم يا موضوعها)**· فصلها و يا بخشهاي كتاب بايد از يكديگر قابل تفكيك بوده و هر يك بتواند محتواي خود را با عبارتهاي ارائه شده در فهرست مندرجات به خوبي بنماياند. مانند:**فصل اول         فصل دوم             فصل سوم    .....** **·**فصلها و سرفصلها در سمت راست و شماره صفحه آنها در سمت چپ، قرار مي‌گيرد.**·**در صورت شماره گذاري صفحات پيشگفتار و مقدمه، شماره صفحات فهرست مندرجات، در ادامه اين صفحات مي‌آيد و در غير اين صورت، بهتر است شماره صفحه‌ها از عدد يك آغاز شود.· عنوان هر فصل و يا بخش، در روبروي آن و پس از گذاشتن علائمي مانند (: ـ .) به شكل كامل بيان شود. مانند:(**فصل اول:**كالبد شناسي كتاب و پاره‌اي مسائل مربوط به آن) · فصل و شماره آن، مانند آنچه در مورد قبل آمد، بايد نسبت به عنوان فصلها با حروفي پررنگ تر، آورده شود. · زيرفصلها و يا زيربخشهاي هر فصل يا بخش، بايد با اندكي فرورفتگي در زير عنوان هر فصل و با حروف معمولي، ارائه شود. · زيرفصلها و يا زيربخشهاي هر فصل يا بخش ، با استفاده از تورفتگي و با استفاده از اعداد و علايم از سرفصلهاي فصل و يا بخش ديگر قابل تميز باشد. **·**از نظر مفهومي، سرفصلها با متن اثر همخواني و هماهنگي كامل داشته باشد.**·**واژه‌هاي به كار رفته در سرفصلها و زير فصلها، بايد گويا و رسا باشد، به طوري كه به خواننده در رسيدن به اطلاعات مورد نظر، ياري رساند.· سرفصلها بايد كل محتواي موضوعي ارائه شده در متن اثر را پوشش دهد. **2. فهرست تفصيلي (ارائه سرفصلها با نشان دادن جايگاه هر مفهوم يا موضوع در ميان ساير مفاهيم يا موضوعها)**از آنجا كه اين نوع فهرست علاوه بر نشان دادن محتواي كلي كتاب در قالب سرفصلها، به زيرمجموعه‌ها و ريز مطالب نيز مي‌پردازد، توصيه مي شود **علاوه بر كليه نكات ذكرشده در مورد ساختار فهرست كلي**، موارد ذيل نيز مورد توجه پديدآورندگان و ناشران ايراني قرار گيرد: ·سرفصلهاي ارائه شده در زير فصلها و عنوان آنها، بايد با اندكي تورفتگي، داراي شماره فصل مربوط باشد. استفاده از عدد به جاي علايم در درك بهتر ارتباط بين مفاهيم به خواننده ياري مي‌رساند. مانند: **فصل اول:**كالبد شناسي كتاب و پاره‌اي مسائل مربوط به آن1ـ1. چاپ و صحافي·چون در فهرست تفصيلي روابط مفاهيم از كل به جزء نشان داده مي‌شود، هر مطلب جزئي زير مطلب كلي‌تر با تورفتگي و نيز ممكن است علاوه بر تورفتگي با شماره نشان داده شود. بنابراين، به ازاي هر زيرمجموعه از مجموعه كلي‌تر مربوط، تورفتگي به علاوه عدد مربوط، اضافه مي‌شود.مانند:**فصل اول:** كالبد شناسي كتاب و پاره‌اي مسائل مربوط به آن1ـ1.چاپ و صحافي1ـ1ـ1. تاريخچه چاپ و صحافي1ـ2. شيوه خط فارسي1ـ2ـ1. نقطه‌گذاري**·**در صورت وجود هر نوع نمايه اي در انتهاي اثر، بايد آن را در فهرست مندرجات (همراه با شماره صفحه مربوط) ذكر كرد.**·**تصاوير و شكلها، جدولها، نمودارها و فهرست منابع و مآخذ در صورت وجود در اثر، بايد همراه با عنوان كامل خود و شماره صفحه مربوط در فهرست مندرجات آورده شود. ·در صورت وجود پيوستها يا ضميمه هاي مختلف در اثر، بايد آنها را با كمك اعداد و علايم تفكيك كرد و در فهرست مندرجات همراه با عنوان كامل و شماره صفحه مربوط نشان داد. ارائه فهرست‌وار مطالب موجود در كتاب در فهرست مندرجات، راهنماي مناسبي را براي دسترس پذير كردن اطلاعات به وجود مي‌آورد. افزون بر آن، در فهرست تفصيلي، استفاده كننده به درك مناسبي از روابط بين مفاهيم پي مي‌برد و ممكن است اين روابط به او كمك كند مطلب مورد نياز خود را سريع‌تر به دست آورد. همچنين، نمايش مفهومي اطلاعات در فهرست تفصيلي، به جاي ارائه اطلاعات در مورد محتواي كتاب، دانش را در اختيار استفاده‌كنند قرار داده و شناخت او را از مفاهيم گسترش مي‌دهد.**2. مقدمه/ پيشگفتار**«مقدمه» بايد از «پيشگفتار» اثر كاملا مجزا باشد، زيرا هر كدام با هدف خاصي نوشته مي‌شوند. مطابق تعريف، «پيشگفتار» جزئي از كتاب است كه در آغاز آن، پس از صفحه عنوان و معمولاً پيش از فهرست مندرجات مي‌آيد و در آن، پديد آورنده در مورد علت و چگونگي تأليف اثر توضيح مي دهد و گاه اثر خود را با آثار مشابه مقايسه مي‌كند. همچنين، مقدمه بخشي از آغاز متن كتاب است كه در آن پديدآورنده به تشريح موضوع يا موضوعات كتاب مي پردازد و ذهن خواننده را براي آشنايي با محتوا و ورود به بخش اصلي (متن) آماده مي‌سازد (فتاحي، 1384).از آنجا كه «مقدمه» يك راهنمايي كلي براي آشنايي خوانندگان با محتواي اثر شناخته مي‌شود، پديدآورندگان بايد نسبت به تهيه و تدوين يك مقدمه به صورت اصولي، دقت لازم را به كار برند؛ بدين معنا كه در اين بخش بايد عناصري وجود داشته باشد كه استفاده‌كننده از طريق مطالعه آنها پي ببرد آيا كتاب حاضر اطلاعات مورد نيازش را در بر دارد؟اين عناصر عبارتند از:**الف) بيان هدف****·**هدف از تأليف اثر، بايد به صورتي واضح و قابل درك براي خوانندگان بيان شود.**ب) بيان نوع مخاطبان**· نوع مخاطبان بايد به منظور تعيين سطح اثر به لحاظ عمق اطلاعات ارائه شده، به روشني در مقدمه/ پيشگفتار اثر مشخص شود. براي مثال، مشخص شود كه اثر مناسب دانش‌آموزان است يا دانشجويان؟ **ج) بيان دامنة موضوعي و پوشش محتوايي**· دامنه موضوعي اثر به منظور تعيين پوشش موضوعي آن بايد در اين بخش بيان شود. توضيح...·اشاره به پوشش محتوا به لحاظ اينكه چه نوع اطلاعاتي و يا مدخلهايي در منبع آورده شده و چه موارد يا مدخلهايي حذف شده است. دوره يا پوشش زماني اثر چيست؟ پوشش زباني شامل كدام زبانهاست؟...·نوع منابع آورده شده در اثر مرجع شامل چه انواعي است؟براي مثال، در يك كتابشناسي، منابعي چون كتاب، پايان نامه، اسناد و ... آورده مي شود.**د) بيان شيوه تنظيم** · شيوه تنظيم اثر،بايد با توجه به ماهيت منبع مرجع و نوع موضوع، ساده و در عين حال دقيق براي مخاطبان شرح داده شود.    - ساختار مدخلهاي اثر الفبايي است؟ مشخص شده كه نوع تنظيم الفبايي حرف به حرف است يا كلمه به كلمه؟ دليل اين نوع تنظيم ذكر شده است؟   - درون ساختار الفبايي مدخلها، از ساختار ديگري مانند ساختار موضوعي و يا تاريخي هم استفاده شده است؟   - اثر داراي نمايه موضوعي و ساير نمايه‌ها هست ؟**3. متن**از آنجا كه معيار ساختاري متن از مهمترين بخشهاي بازيابي اطلاعات شمرده مي‌شود، پديدآورندگان و ناشران بايد ايراني نسبت به آن توجه خاصي داشته باشند. شيوه صحيح سازماندهي اطلاعات در اين بخش سبب مي شود تا مراجعه كنندگان سريع و آسان به اطلاعات مورد نياز در متن برسند و بيشترين بهره را از اثر ببرند. به همين منظور، پيشنهادهاي پژوهش حاضر در قالب چهار شاخص استخراج شده از معيار ساختاري متن به شرح زير است:**الف) ساختار كلي**·نوع تنظيم ساختار متن بايد به گونه‌اي باشد كه باعث سرعت و آساني در يافتن اطلاعات مورد نياز شود. بديهي است، ساختار متن هر نوع از منابع مرجع بايد با توجه به محتوا و هدف آن منبع طراحي و پياده سازي شود. براي مثال، براي استفاده كنندگان اثر بايد روشن شود كه ساختار الفبايي متن حرف به حرف است يا كلمه به كلمه. **ب) صفحه‌آرايي**·صفحه آرايي در تمام ساختار متن بايد يكدست باشد. مثلاً مدخلهاي اصلي با حروف پررنگ تر مشخص شود و مطالب با حروف كم رنگ. اولين كلمه هر صفحه بايد در بالاي صفحه بيايد. تعداد سطرها و ستونها در تمام صفحات بايد يكسان باشد. مدخلها به روشني از يكديگر قابل تفكيك باشد، به طوري كه با يك نگاه بتوان تمايز آنها را از هم تشخيص داد. اين امر را مي توان با فاصله بين مدخلها و يا روشهاي ديگر به وجود آورد.·در برخي منابع مرجع كه در قطع بزرگ تهيه مي شوند و يا به دليل وجود اطلاعات زياد، بايد از حروف ريز استفاده شود، مي‌توان متن را در بيش از يك ستون ارائه كرد تا يافتن مطلب و دنبال كردن آن ساده باشد.**ج) ساختار داخلي هر مدخل**·ترتيب ارائه اطلاعات در هر مدخل بايد منطقي، يكدست و داراي انسجام باشد؛ بدين معنا كه مطالب با ترتيب منطقي و در پيوند با يكديگر و مربوط به هم ارائه شود. همچنين، رويكرد ورود به مطلب و ادامه آن بايد واضح باشد؛ مثلاً از رويكرد كلي به جزئي و يا از روال تاريخي استفاده شود. اصل يكدستي در آنها رعايت شود؛ بدين معنا كه شرح هر مدخل از مقدمه آغاز و به نتيجه گيري ختم شود و در كليه مدخلها به شيوه اي يكسان، رعايت شود. چنانچه متن داراي بخشهاي مختلف است كه در پيوند با مفهوم اصلي هستند، هر بخش بايد در يك پاراگراف جداگانه بيايد و با عنواني مشخص و مرتبط با محتواي آن آغاز گردد.**د) ساختار ويژه**·در صورتي كه اثر داراي ساختاري غير معمول است، بايد نوع و هدف آن ذكر شود. ساختار رايج كتابهاي مرجع معمولاً الفبايي ساده، الفبايي موضوعي و يا تاريخي است. چنانچه هيچ كدام از اين ساختارها در متن كتاب ديده نمي‌شود و يا علاوه بر وجود آنها، اطلاعات را به شيوه ديگري نيز مي توان بازيابي كرد، بايد در شيوه تنظيم اثر و استفاده در قسمت مقدمه، به شكلي واضح و دقيق ذكر شود. گاهي اوقات از شيوه هاي ذوقي و خلاقانه براي تكميل ساختار متن استفاده مي‌شود؛ براي مثال، در حاشيه‌هاي كناري و يا در پانويس صفحات، راهنماي زوديابي يا كليد استفاده يا نشانه‌هاي تلفظ و مانند آنها ارائه مي‌شود.**4. فهرستهاي پاياني**از آنجا كه نمايه‌ها در بازيابي اطلاعات در منابع مرجع نقش كليدي دارند، پديدآورندگان و ناشران بايد نسبت به آن توجه ويژه داشته باشند.به همين منظور، از آنان انتظار مي‌رود تهيه نمايه‌ها را در مركز توجه خود قرار دهند و در تنظيم و تدوين آنها به شكلي اصولي و استاندارد عمل نمايند. رهنمودهاي پژوهش حاضر در اين زمينه به شرح زير مي باشد.**الف) نمايه‌ها (موضوعي، اعلام)** **نمايه موضوعي**، نمايه‌اي است كه موضوعات كتاب يا به تعبير دقيق‌تر، كليدواژه‌هاي كتاب را دربر دارد. در واقع،‌ بهترين راه براي دستيابي فوري و سريع به موضوعات يك كتاب، استفاده از نمايه موضوعي آن است. اين نوع نمايه مي‌تواند هر نوع كليدواژه‌اي را شامل گردد.**نمايه اعلام** نيز نمايه‌اي است كه از نامهاي به كار رفته در متن كتاب تشكيل مي‌شود. نمايه اعلام مي تواند به صورت الفباي نام اشخاص و يا نامهاي خاص و يا نامهاي جغرافيايي و ... باشد**.** (محمدي‌فر،1381). · اينكه نمايه اثر ساده و يا تحليلي (نمايه‌اي كه در آن ارجاعات مشخص شده است)، بيان شود.·لازم است با كمك متخصصان موضوعي، به تهيه و تدوين نمايه‌ها پرداخته شود.اين امر از بروز مشكلات ساختاري و مفهومي در نمايه‌ها جلوگيري مي‌كند.**·**در صورت ارائه نمايه‌اي ساده و نه تحليلي، بايد تمام موضوعات در بر گرفته در كتاب، پوشش داده شود.·در صورت ارائه نمايه اي تحليلي، روابط بين مفاهيم (كلي و جزئي يا اعم و اخص) بايد به درستي و با استفاده از سرعنوانهاي موضوعي و يا اصطلاحنامه‌هاي فارسي، نشان داده شود. · رابطه بين مفاهيم بايد با استفاده از تورفتگي و يا علايم خاص باشد و استفاده آسان را براي خواننده ممكن سازد. **ب) نمايه ويژه****·**چنانچه اثر داراي محتواي خاصي است و بازيابي اطلاعات خاص در آن با وجود استفاده از فهرست مندرجات و نمايه موضوعي ممكن نمي شود، لازم است با تدوين نمايه‌اي ويژه، به خوانندگان اثر در دستيابي به مطلب مورد نظر ياري رساند. ·در صورتي كه در اثر، به مناسبت محتوا نمايه اي خاص ديده مي شود، لازم استشيوه استفاده از آن براي مخاطبان در مقدمه اثر و در بخش شيوة تنظيم، به روشني شرح داده شود. **د) شيوه تنظيم منابع** ·در صورتي كه در پايان كتاب، فهرست منابع و مآخذ ذكر مي شود، لازم است فهرست ياد شده بر اساس يكي از شيوه نامه‌هاي استناد دهي يا مأخذنويسي معتبر تدوين و بنا بر اولويت، داراي يكي از تنظيمهاي الفبايي بر اساس نويسنده و يا تاريخ نشر و يا عنوان اثر باشد.اين منابع ممكن است شامل منابع مورد استناد در متن باشد و يا افزون بر اين منابع، منابعي كه در رابطه با محتواست را نيز براي مطالعه بيشتر در برگيرد. اين دو نوع ممكن است با دو عنوان مجزاي «فهرست منابع و مآخذ» و «منابع مرتبط» آورده شود.**5. ساير موارد**معيارهاي ذكر شده، موارد مشتركي است كه به نظر مي رسد در اغلب منابع مرجع وجود دارد. برخي از معيارها نيز وجود دارند كه تنها به منبع مرجع خاصي مربوط است. پژوهش حاضر، در قالب رهنمودهايي، شيوه استفاده از اين معيارها را به شرح زير اعلام مي دارد. · در زمان انتشار **راهنماها**، تدوين **نمايه موضوعي** بر مبناي محتواي منبع مورد نظر، به منظور زوديابي و آسان يابي اطلاعات، ضروري است. · لازم است در زمان انتشار **واژه‌نامه‌ها**، شاخصهاي**راهنماي تلفظ** و نيز **فهرست علايم و اختصارات** ارائه شود. · لازم است در زمان انتشار اطلس ها، فهرست علايم و اختصارهاي به كار رفته در نقشه هاي ارائه شده در اثر، آورده شود. از مؤلفان نيز انتظار مي‌رود كه با توجه به اين موارد، موارد ساختاري و محتوايي را كه بر ارزش افزوده كار آنها مي‌افزايد، مورد عمل قرار دهند. در مجموع، معيارها و رهنمودهاي ارائه شده مي‌تواند چارچوب تدوين استانداردهاي لازم را براي تدوين، نشر و ارزيابي كارايي منابع مرجع شكل دهد. تدوين چنين استانداردهايي مي تواند به صورت كار گروهي و در هر حوزه موضوعي و يا بر اساس نوع منبع مرجع باشد. **پيشنهادهايي براي پژوهشهاي آينده****?** انجام پژوهشهايي كه به پديدآورندگان و ناشران ايراني ياري رساند تا در صورت فعاليت در زمينه نشر منابع مرجع، با شناخت و آگاهي كامل نسبت به ساختار هر يك از منابع مرجعي كه منتشر مي‌كنند، بتوانند به خوانندگان و مخاطبان خاص اين نوع منابع در دسترسي هرچه بهتر به محتواي آنها كمك كنند. **?** انجام پژوهشهايي كه صرف نظر از توجه به معيارهاي ظاهري و فيزيكي هر نوع از منابع مرجع چاپي، به طور خاص به ساختار داخلي آن كه براي زوديابي اطلاعات حايز اهميت است نيز، همپاي ديگر معيارها اهميت داده و به ناشران ايراني براي انتشار اين‌گونه منابع، راهكار مناسب ارائه دهد. برخي از اين پژوهشها را مي‌توان به روش كيفي و با استفاده از مصاحبه‌هاي تخصصي با پديدآورندگان و ناشران منابع مرجع به انجام رساند.**?** انجام پژوهشي كه منحصراً با تمركز بر روي ساختار منابع مرجع به تدوين مجموعه استانداردهايي براي ساختار اين منابع بپردازد و ناشران ايراني را در اين زمينه، راهنمايي كند.**?** پيشنهاد مي شود انجمن كتابداري و اطلاع رساني ايران، نسبت به رعايت معيارهاي ساختاري ياد شده در اين پژوهش توسط پديدآورندگان و ناشران ايراني، پيگيري كند. **?** با توجه به حجم وسيع منابع مرجع در حوزه علوم انساني، انتظار مي‌رود پژوهشي منحصراً با توجه به رده‌هاي موضوعي موجود در اين حوزه انجام شود و به بررسي محدوديتها و نواقص موجود در ساختار منابع مرجع در حوزه علوم انساني بپردازد.**?** پيشنهاد مي‌شود مشابه همين پژوهش ظرف پنج تا ده سالآينده انجام و ميزان پيشرفت و آگاهي پديدآورندگان و ناشران ايراني از معيارهاي ساختاري سنجيده شود**.** **?** پيشنهاد مي‌شود، در پژوهشي ديگر به بررسي ديدگاه ناشران و پديدآورندگان ايراني، در مورد تفاوتهاي ساختاري منابع مرجع چاپي با ديگر منابع چاپي، پرداخته شود.زيرا بدين طريق، مي‌توان ميزان آشنايي و آگاهي آنها را نسبت به ساختار منابع مرجع سنجيد و با ديگر منابع مورد مقايسه قرار داد. **?** پيشنهاد مي‌شود پژوهشهايي مشابه به بررسي و مقايسه منابع مرجع چاپي با الكترونيكي به لحاظ رعايت معيارهاي ساختاري و شاخصهاي مربوط به آن بپردازد تا بدين وسيله تفاوتهاي ساختاري در هر كدام آشكار شود. **?** پيشنهاد مي‌شود در پژوهشي ديگر به بررسي ديدگاه مخاطبان و خوانندگان منابع مرجع چاپي در مورد معيارهاي ساختاري كه در بازيابي و زوديابي اطلاعات نقشي اساسي دارد، پرداخته شود. اين پژوهش را مي‌توان براساس مشاهده فرايند استفاده از منابع مرجع، انجام داد.**?** پيشنهاد مي‌شود در ايران پژوهشهايي در زمينه تأثير روانشناختي ساختار متن بر حافظه و يادآوري مطالب، انجام شود تا بدين ترتيب ارزش و اهميت ساختار منابع چاپي مشخص شود.**?** پيشنهاد مي‌شود همين پژوهش به صورت كيفي انجام شود.**?** انجام پژوهشهايي اختصاصي در مورد هر يك از انواع منابع مرجع**،** از ديگر پيشنهادهاست.**منابع****[[11]](http://128.168.0.10/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn11%22%20%5Co%20%22)** ـ باب الحوائجي، فهيمه (1381). تحليل محتوا. در : **دايرة‌المعارف كتابداري و اطلاع‌رساني** (ج.1، ص 620-23). تهران: كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران. ـ حاجي شيزري، زهرا (1379**). بررسي وضعيت كتابهاي منتشر شده فارسي در زمينه علوم پزشكي در طي برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي (1372-1368) در ايران.**(پايان نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع رساني، دانشگاه علوم پزشكي ايران، 1372) چكيده پايان نامه هاي كتابداري و اطلاع رساني: 735.ـ دري فر، نفيسه (1379).روند انتشار منابع مرجع تخصصي فارسي در زمينه هاي علوم و فناوري در سالهاي 1358-1377. **كتابداري و اطلاع‌رساني ، فصلنامه كتابخانه مركزي آستان قدس رضوي**. جلد سوم. شماره 2. ص. 23-48.ـ فتاحي، رحمت الله (1384**). فهرست نويسي: اصول و روشها** (ويرايش چهارم). تهران: نشر كتابدار.ـ گيلوري، عباس (1375). نقش نمايه در نظامهاي بازيابي اطلاعات**. فصلنامه علوم اطلاع‌رساني**، 11 (4)، 14-23.ـ محمدي فر، محمدرضا (1376**). فرهنگ جامع مرجع شناسي.** تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، سازمان چاپ و انتشارات.ـ مزيناني، علي (1374). نمايه‌هاي انتهاي كتابهاي علوم پزشكي فارسي (1368- 1372). **فصلنامه كتاب**، 6 (1)، 60-68.ـ-------- (1373**). بررسي نمايه‌هاي انتهاي كتابهاي علوم پزشكي منتشر شده در سال هاي 1368-1372**. پايان نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده مديريت و اطلاع‌رساني پزشكي، دانشگاه علوم پزشكي ايران.ـ مكي زاده، فاطمه (1382). بررسي وضعيت نشر و ناشران كتاب در استان يزد**. فصلنامه كتاب**،56 (4)، 23-34.- Campbell, G. R. (1997). From a binder`s point of view: some advice for independent, desktop publishers. New Library Science, 16 (1) 5-6. Abstract Retrieved May 23, 2005, From Library Association Database (LISA). - Kern, K (1999). New directions in library binding: A conference report. Library Collections, Acquisitions, and Technical Services, 23 (4) 451-8. - Rolfe, L.J. (1982). School Llibrary Bulletin:dictionary survey. School Library Bulletin: dictionary survey, 14 (2) 1-143. Retrieved August 15, 2006 From EBSCO Database.1.  پايان نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع رساني 2.  كارشناس ارشد كتابداري و اطلاع رساني دانشگاه فردوسي مشهد3. عضو هيئت علمي و استاد گروه كتابداري و اطلاع رساني دانشگاه فردوسي مشهد1. در اين زمينه، مي‌توان به منابع زير مراجعه نمود:Eugene P. Sheehy, "**Guide to Reference Books**" 9th ed. American library Asociation: Chicago, 1976.Kenneth F. Kister" **Encyclopedia Buying Guide**" 3rd ed.Bowker Company: New York, 1981.**The New Encyclopedia Britanica** (Vol.13), Macropedia, 15th ed. Encyclopedia Britanica, 1989.**The Encyclopedia Americana** (Vol.1), International Edition, Grolier Incorporated, 1993.**The New Book of Knowledge** (Vol.1), Grolier, 2002. 2. در پژوهش حاضر، مفاهيم فهرست مندرجات، مقدمه/پيشگفتار، متن و نمايه به عنوان **معيار** و زيرمجموعه‌هاي آنها به عنوان **شاخص** در نظر گرفته شده است. 1. اين سياهه‌ها در پيوست آمده است. 1. Rolfe.2. Eugene aul Sheehy, Guide to reference books. ( Chicago: American Library Association, 1976).3. Campbell.Kern.1. به منظور استاندارد نمودن استنادهاي پژوهش از شيوه نامه APA بر گرفته از كتاب زير استفاده شد:عباس حري و اعظم شاهبداغي (1385)، شيوه هاي استناد در نگارش هاي علمي: رهنمودهاي بين المللي (تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ). |